

The Ability to Extend the Sentence Stipulated in Article 91 of the Islamic Penal Code to Not Excluded

Mostafa Bagheri¹, Hassan Alipour^{2*}, Mahdi Fazli³

1. Doctoral student, Department of Criminal Law and Criminology, Naraq Branch, Islamic Azad University, Naraq, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Tehran University, Farabi School, Qom, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mallard Branch, Islamic Azad University, Mallard, Iran.



Article Type:

Original Research

Pages: 299-326

Received: 2022 November 28

Revised: 2023 April 08

Accepted: 2023 October 07



Abstract

With the approval of the Islamic Penal Law approved in 1392, there have been developments and innovations in Iran's criminal law, most of which are dedicated to respecting the rights of the accused, including children and adolescents.

One of the important innovations of this law is Article 91, which is related to juvenile delinquents under the age of 18 years, which stipulates: in crimes that are punishable by punishment or retribution, when adults are under the age of 18 years, the nature of the crime is committed or the sanctity of it is understood. If they do not do it or there is doubt about their maturity and intelligence, they will be sentenced to the punishments provided in this chapter according to their age.

Note - To determine the development and completeness of the mind, the court can ask for the opinion of a forensic doctor or use any other method it deems appropriate.

It may be understood from the context of Article 91 of the Islamic Penal Code that the scope of this article includes only adults under the age of 18, and in other words, the primary condition for the compliance of the perpetrator's status with the provisions of this article is that the adult accused is under the age of 18. years, and as a result, people over 18 years of age are excluded from the scope of this article, but there is another judicial point of view regarding this article, which believes that it is possible for a person to be over 18 years old and due to the weakness of his mental faculties, he is not respected. If the act committed is uninformed and falls under the provisions of this article, as a result, including such a person in the scope of Article 91 of the Islamic Penal Code seems free of problems.

Keywords: Children, Teenagers, Criminal Development, Criminal Responsibility, Judicial Procedure

*Corresponding Author: hassan.alipour@gmail.com

قابلیت تعمیم حکم مقرر در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی به افراد غیر مشمول

مصطفی باقری^۱، حسن عالی پور^{۲*}، مهدی فضلی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه تهران، دانشکدگان فارابی، قم، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد ملارد، دانشگاه آزاد اسلامی، ملارد، ایران.



چکیده

در صورت احراز یکی از معیارهای "عدم درک ماهیت جرم"، "عدم درک حرمت رفتار جرم" و "وجود شبهه در رشد و کمال عقل" مقرر در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، در نزد نوجوان بالغ زیر هجده سال در جرایم مستوجب حد یا قصاص، مقام قضایی می تواند مجازات حد یا قصاص را به یکی از مجازات های ویژه اطفال و نوجوانان تبدیل کند. جدا از چالش های مربوط به محدوده سنی مرتکب و نیز ماهیت مجازات های جایگزین قابل اعمال، نوعی با شخصی بودن یا به عبارت دیگر نسبی یا مطلق بودن معیارهای پیش گفته نیز با چالش های مهمی روبه رواند. یکی از مهمترین چالش های مرتبط با این معیارها که در این نوشتار بررسی می شود، قابلیت تعمیم آنها به مرتکبین بزرگسال است.

نوشتار حاضر با روش توصیفی و تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه ای و دسترسی به رویه قضایی دادگاهها، به این نتیجه رسیده است که گرچه رویکرد قابلیت تعمیم معیارهای ماده ۹۱ از یک سو با قاعده دراکه طبق ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی برای عمومی جرایم و مرتکبان پیش بینی شده و نیز با جهل به حکم در جایی که مانع مسئولیت کیفری است، مغایرت دارد و از سوی دیگر با اصل تفسیر محدود قوانین جزایی ناسازگار است ولی به جهت نوعی بودن برخی معیارها مانند عدم درک ماهیت جرم یا شبهه در کمال عقل که برای بزرگسال نیز مصداق پیدا می کند، ویژگی های معیاری قابلیت تعمیم را نیز دارد. پیشنهاد این نوشتار استفاده تعمیمی از ماده ۹۱ صرفاً در جایی که قابلیت تعارض با قواعد دیگر را نداشته و بهره گیری تکمیلی برای اعمال قواعد دیگر است.

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۲۲۶-۲۹۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

واژگان کلیدی: نوجوانان زیر ۱۸ سال، تبدیل حد و قصاص، معیارهای ماده ۹۱، رویکرد

قابلیت تعمیم، رویه قضایی

درآمد

با تصویب ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مقنن به لزوم وجود شرایطی در ارتکاب جرم و شمول مجازات های مستوجب حد و قصاص آن هم تحت عنوان رشد جزایی صحه گذاشته است؛ چراکه به موجب مفاد این ماده امکان تبدیل مجازات حد و قصاص در جرائم ارتكابی افراد بالغ کمتر از هجده سال در صورتیکه ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد؛ فراهم گردیده است.

در این رابطه بررسی موضوع رشد در سن بعد از بلوغ حائز اهمیت فراوان به نظر می رسد. معنای رشد به لزوم درک ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن و داشتن رشد و کمال عقل در آنان بیان شده است؛ لذا بحث رشد جزایی بعد از سن بلوغ مطرح می گردد. وفق ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی، افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند و صرف بلوغ باعث شمول مسئولیت کیفری و عدم این مسئولیت منوط به احراز عدم رشد جزایی است آنچه از ظاهر ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی استنباط می گردد موضوع رشد جزایی و بررسی آن در مورد نوجوانان زیر هجده سال می باشد و رویه قضایی حاکم نیز غالباً همسو با اعمال مقررات این ماده در مورد افراد زیر هجده سال است.^۱ لیکن در برخی از احکام دادگاهها ملاحظه می گردد که صرف نظر از سن متهم عقیده بر این است که از ظرفیت ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی می توان استفاده نمود و با احراز عدم رشد عقل یا درک ماهیت جرم ارتكابی نسبت به افراد بزرگسال نیز شرایط سقوط مجازات قصاص به دیه و محکومیت مرتکب به مجازات تعزیری را فراهم نمود.

نظر به اینکه عمده بحث مقاله در خصوص تعزیر ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی در رویه قضایی می باشد و سعی گردیده در نهایت انتخاب نظریه منطبق با قانون معرفی گردد، لذا هدف نگارنده تبیین مفهوم رشد جزایی و کمال عقل در مسئولیت کیفری

نوجوانان که سابقه بررسی به صورت کلی را نیز دارد مسی باشد.

۱. دادنامه شماره ۳۳۲۰۳۳۲۰۲۳۳۲۰۹۹۷۰۹۷-۱۳۹۷/۰۹/۰۷ صادره از شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران (ویژه جرایم اطفال و نوجوانان) آمده است:

متهم، متولد ۱۳۷۹/۱۰/۲۴ که در زمان وقوع جنایت حدود ۱۶ ساله بوده و دارای رشد و کمال نبوده و ماهیت جرم انجام شده و ماهیت جرم انجام شده و حرمت آن را درک نمی کرده، به پرداخت یک فقره دیه کامل مرد مسلمان در حق اولیای دم و تحمل پنج سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم گردیده است.

۲. دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۲۲۵۵۰۰۰۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۸ شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران (ویژه جرایم اطفال و نوجوانان) که پس از نقض دادنامه شعبه پنجم از سوی شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور پرونده به آن شعبه ارجاع شده است آمده:

« در خصوص اتهام ... متولد ۱۳۷۹/۱۰/۲۴ اهل تهران، دایر بر مباشرت در قتل عمدی مرحوم ... به شرح محتویات پرونده، با عنایت به شکایت اولیای دم مقتول؛ آنچه مسلم است متهم در طول تحقیقات مقدماتی و جلسه دادرسی اقرار دارد و اقرار نامبرده با اوضاع و احوال قضیه مطابقت دارد که متهم در حین ارتکاب جنایت چاقو داشته است و یک ضربه به مقتول زده است ولی با توجه به اینکه متهم متولد ۱۳۷۹ می باشد با تطبیق تاریخ تولد متهم با تاریخ وقوع جنایت احراز می گردد که متهم در زمان ارتکاب جنایت ۱۶ ساله بوده، لذا به عقیده دادگاه و دلالت محتویات پرونده و مستنبط از متون قانونی امر مسجل و محرز می باشد که متهم در زمان ارتکاب جرم از کمال عقل و رشد برخوردار نبوده و حرمت عمل ارتكابی را نمی دانسته با استدلال هایی که به تفصیل در دادنامه به آن اشاره گردیده، متهم موصوف را از حیث مباشرت در قتل عمدی مرحوم ...، به پنج سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت تهران با احتساب و کسر ایام بازداشت قبلی و پرداخت یک دیه کامل مرد مسلمان ظرف مهلت یک سال از تاریخ جنایت در حق اولیای دم محکوم نموده است.

۳. دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۸۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ مورخ ۹۷/۱۱/۲۷ شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور در نقض دادنامه شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران با این استدلال که:

« با توجه به شغل متهم و نحوه حمل و مخفی کردن سلاح و نوع چاقوی به کار گرفته شده توسط وی و انتخاب محل اصابت چاقو استدلال دادگاه محترم صادرکننده رای دایر بر اینکه: « با توجه به نظریات پزشکی قانونی و تحقیقات انجام شده از متهم در جلسات رسیدگی نامبرده در زمان ارتکاب قتل، دارای رشد و کمال عقلی نبوده و ماهیت جرم انجام شده و حرمت آن را درک نمی کرده است » مخدوش و غیر قابل ابرام است.

بنابراین مراتب فرجام خواهی آقای وکیل اولیای دم از دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۸۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۰۷ صادره از شعبه پنجم دادگاه کیفری یک تهران موجه تشخیص و ضمن نقض دادنامه فرجام خواسته، رسیدگی مجدد به دادگاه همعرض صادرکننده رای منقوض ارجاع می گردد.

۴. دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۸۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۴ شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور در ابرام دادنامه شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران با این استدلال که:

" فرجام خواهی وکیل اولیای دم مرحوم ... از دادنامه شماره ۹۹۰۰۰۵۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۸ صادره از شعبه هفتم دادگاه کیفری یک تهران با توجه به مجموع اوراق و محتویات پرونده و نظریات کمیسیون های پزشکی قانونی و وجود شبهه دار و مبانی استدلالی و مواد استنادی دادنامه فرجام خواسته و سوابق رسیدگی در این شعبه و بررسی لایحه فرجام خواهی وکیل یاد شده نتیجتاً غیر مدلل و غیر موجه تشخیص و مردود اعلام و دادنامه فرجام خواسته ابرام می گردد.

۱- شناخت مفاهیم

با تصویب ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحولی جدی در واکنش کیفری نسبت به نوجوانان مرتکب جرایم مستوجب حد و قصاص ایجاد شده است. این ماده، سه وضعیت را به عنوان عوامل سقوط حد یا قصاص در مورد این افراد معرفی نموده و قاضی را مکلف کرده است که در این موارد، مرتکب را به جای حد یا قصاص، بر اساس گروه سنی وی به یکی از مجازاتهای تعزیری مذکور در این فصل محکوم نماید. درعین حال، معیار احراز رشد و کمال عقل و بلوغی که مانع درک ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن گردد، معین نشده و همین امر باعث گردیده مشکلات و ابهامات زیادی در عمل به وجود آورد و موجب چالشهای مختلف و اختلاف نظرهای عمده ای گردد.

از یک منظر این موضوعات مطابق منطوق ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی در مورد نوجوانان بالغ کمتر از هجده سال قابل تسری است و رویه قضایی غالب نیز به این دیدگاه تمایل دارد. با وجود این بر اساس دیدگاه دیگری مفاهیم عدم رشد عقلی و عدم بلوغ فکری حتی بعد از سن هجده سال و در بزرگسالان نیز امکان ادامه را داشته و مانع از این نیست که بر اساس آن و با استناد به این ماده قانونی حکم لازم صادر گردد در ادامه به بررسی برخی شرایط اساسی مذکور در ماده ۹۱ تحت عناوین رشد و بلوغ می پردازیم.

۱-۱- رشد

رشد، شاخصه ای در انسان است که مانع از تضییع مال و صرف آن در راههای غیر عقلانی می شود و از نظر حقوقی رشد کیفیت نفسانی است که دارنده آن می تواند نفع و سود و زیان (رشد مدنی) و حُسن و قبح (رشد جزایی) را تشخیص دهد. (نگهی، مرجان، ۱۳۹۱، صفحات ۱۳۵-۱۵۹)

بر اساس قوانین ایران هر شخصی به سن بلوغ برسد رشید است مگر خلاف آن

احراز شود (ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی)، اما از نظر علمی همه افراد بالغ رشید نیستند، بلوغ یک پدیده بیولوژیک است که در پسران و دختران با علایم مشخصی تظاهر می کند، و رشد روانی یک فرایند پیوسته است که ممکن است از زمان خاصی شروع شود اما تکامل آن در بی نهایت است. دشواری های زیادی در راه تعیین رشد روانی و به تبع آن رشد جزایی وجود دارد، اما روانپزشکان معیار کافی و کاملی برای این ارزیابی در اختیار ندارند. (مهاجر پور، امیر محمد، دانش پرور، حمیدرضا، ۱۳۹۰، صفحه ۳۴)

با توجه به اینکه رشد، امری تدریجی است و نمی توان در تعیین سن مسئولیت کیفری با اتخاذ شیوه ای جهشی، همه افراد را با رسیدن به سن معینی از شمول لفظ «کودک» خارج نمود؛ بنابراین می بایست سنی را به عنوان اماره ای نسبی در جهت تفکیک کودک و بزرگسال قرار داد.

بنابراین رشد در اثر قوای دماغی در شخص ایجاد می شود و تشخیص این امر به وسیله آزمایش در اموری که مناسب با وضعیت اجتماعی اوست به عمل می آید تا قدرت و استعداد او در ضمن اداره و تصرف او در امور مالی مشخص شود. چنانچه نمود عقلانی و جسمانی در شخص پیدا شود و معلوم گردد. که دوران کودکی او پایان پذیرفته است. شخصی که بالغ می شود یعنی به نمو جسمی رسیده است به معنای رشید نیست؛ زیرا به نمو روحی و عقلی لازم نرسیده است اما به نظر می رسد همانطور که در امور دیگر بین افراد بالغ رشید و غیر رشد تفاوت است می توان آن را به امور کیفری و جزایی نیز سرایت داد. از آنجا که این افراد از حیث رشد هنوز به درجه بزرگسال نرسیده اند، از نظر جزایی نیز به مرحله مسئولیت تام کیفری نمی رسند و دارای مسئولیت محدود می باشند، در صورت ارتکاب جرم و جنایت میزان مجازات و نوع مجازات می تواند متفاوت با افراد دیگر باشد. (تدین، عباس، باقری نژاد، زینب، ۱۳۸۶، صفحه ۳۲)

بنابراین هنگامی که شخص به سنی رسیده باشد که بزرگسال تلقی شده و به طور تام بتواند مشمول حقوق کیفری قرار گیرد پس دارای مسئولیت تام کیفری است.

در قانون مجازات اسلامی شخص وقتی دارای مسئولیت کیفری است که دارای شرایط چهارگانه، بلوغ، عقل، اختیار، آگاه به حرمت عمل باشد و اگر کسی در حین ارتکاب جرم فاقد یکی از شرایط باشد به علت فقدان مسئولیت کیفری از مجازات معاف خواهد بود؛ لذا ملاحظه می شود که رشد از شرایط مسئولیت کیفری نیست.

۱-۲- بلوغ

بلوغ، در اصطلاح به دومین مرحله از مراحل چهارگانه دوران حیات آدمی: «۱. کودکی ۲. بلوغ ۳. پیری ۴. مرگ» اطلاق می شود. انسان با رسیدن به سن بلوغ دچار یک سری تغییرات جسمی می گردد. درحقیقت بلوغ دوران تکامل فیزیولوژیک در حیات آدمی است که به موازات رشد سریع ظاهری اندامها، زمینه توانایی و استعداد اعضای تناسلی برای انجام اعمال جنسی فراهم میشود. بعضی از نشانه های بلوغ عبارتند از: کشیدگی قد، روئیدن موی زهار و زیر بغل، ریش و سبیل و خروج منی درحالت خواب یا بیداری، تغییرصدا درپسران، بزرگ شدن پستان ها، حیض شدن در دختران، گرایش اطفال به آمیزش و معاشره با جنس مخالف و مشترکاً آمادگی برای تولد و تناسل است. اما از نظر فقهی مراد از بلوغ بیش از همه بلوغ طبیعی است که به واسطه آن ویژگی های مردی یا زنی در فرد پدیدار می گردد. بنابراین مقصود از طفل کسی است که به حد بلوغ نرسیده است. حد بلوغ در فقه پانزده سال در پسر و نه سال در دختر می باشد.

بنابراین بلوغ یک پدیده طبیعی و جسمی است که با افزایش سن و رسیدن به مرحله تکامل قوای جسمی و قوای جنسی حاصل می شود و گرچه تکامل جسمی نوعاً همراه با تکامل قوای دماغی و رشد قوه تمیز می باشد، اما لزوماً رسیدن به سن بلوغ جنسی به معنی رسیدن به قوه تمیز کامل و رشد عقلی نیست و این دو پدیده لزوماً توأمان به مرحله تکامل نمی رسند. صحیح است که ملاک رشد، چه رشد جزایی و چه

رشد مدنی تکامل قوای دماغی و رسیدن به مرحله تشخیص حُسن وقبح و ضرر و زیان است و از لوازم نامبرده نیز همانند پدیده بلوغ نوعاً دوره کودکی و ورود به مرحله جوانی است؛ اما باید این دو پدیده را از هم تفکیک کرد؛ زیرا پدیده بلوغ جسمی و جنسی و پدیده رشد عقلی و قوه تمیز از دو جنس متفاوت و با معیار سنجش و اندازه گیری متفاوت می باشند و به اصطلاح نمی توان هر دو را با یک معیار اندازه گرفت.

بنابراین به صرف ظهور علائم بلوغ جنسی نمی توان حکم به رشد عقلی و کمال قوای دماغی داد، چه بسا افرادی به سن بلوغ برسند ولی قوه تشخیص و تمیز آنان تکامل لازم پیدا نکرده باشد و از این حیث همانند صغیر قادر به تشخیص حُسن و قبح و یا ضرر و زیان نباشند و چون ملاک مسئولیت کیفری که ناشی از توجه خطاب های شارع و قانونگذار به شخص می باشد قوه تمیز و رشد عقلی است و نه صرفاً بلوغ جنسی و جسمی، به تعبیر دیگر، اهلیت کیفری مستلزم تمییز و درک است که با رشد قوای عقلی و دماغی ملازمه دارد نه با بلوغ جنسی صرف. آنچه که ملاک تحمیل مسئولیت کیفری است همین وصف رشد جزایی است نه بلوغ جنسی و جسمی که شرط لازم است نه کافی. در نتیجه تا این قوه به حد رشد و کمال نرسد و شخص توانایی تمیز و تشخیص پیدا نکند، توجه امر و نهی شارع و قانونگذار به او برخلاف عقل و عدالت خواهد بود پس تحمیل مجازات و عقوبت او نیز صحیح نبوده و خلاف عقل و عدالت است. از همین رو است که تشخیص رشد و کمال عقل به منظور شناخت ماهیت جرم و حرمت عمل ارتكابی مشکل بوده و منشاء اختلاف در نظریات کارشناسان پزشکی قانونی و روانشناسان و قضات دادگاهها می باشد.

۳-۱- کمال عقل

در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی در کنار رشد، کمال عقل مجرمان زیر هجده سال مورد بیان مقنن در بحث مسئولیت کیفری نوجوانان قرار گرفته است که از آن به

تحولی شگرف در مسئولیت کیفری نوجوانان یاد می کنند. به نظرمی رسد تشخیص رشد و کمال عقل بزهکاران کمتر از هجده سال مبنای فقهی دارد. مقصود از این اصطلاح؛ بلوغ و عدم جنون می باشد. (رهامی، ۱۳۸۱، صفحه ۱۶۷) رشد در امور کیفری که در بحث مجازاتها مطرح است را باید همان کمال عقل یا رسیدن فرد بالغ به مرحله ای که برخوردار از تفکر آگاهانه شده و قادر به درک ماهیت عمل مجرمانه باشد، دانست. به نظر می رسد که تفاوت جهل موضوعی با عدم درک ماهیت جرم در وضعیت عدم امکان مطلق است نه به گونه ای که در جهل، شخص در وضعیت عدم امکان مطلق نمی باشد و در اینجا شخص اساساً در وضعیت عدم امکان مطلق قرارداد در حالیکه در جهل مرتکب قدرت درک بالقوه دارد و بالفعل در موضوع حادث نداشته است و به واسطه کوتاهی برای وی مجهول می ماند؛ لیکن در عدم درک موضوع این ماده، مرتکب نمی تواند ماهیت عمل را درک کند و این مرحله ای است که شخص، مستعد پذیرش مسئولیت تام کیفری بوده و در واقع شخصی است که از بلوغ کیفری برخوردار است و شایسته است که مانند افراد بزرگسال مورد مجازات قرار گیرد و اگر بخواهیم میانگین سنی را برای رشد کیفری در نظر بگیریم هجده سال، سن قابل قبولی می تواند باشد؛ با عنایت به این مساله که باید برای رشد در تحقق مسئولیت کیفری جایگاه ویژه ای قائل شد و نمی توان آن را مختص امور مالی دانست اصطلاح رشد به معنای عقل و بلوغ فکری نیز به کار رفته است و اصطلاح «سفیه» و «ضعیف» اختصاص به مسائل مالی که در قرآن و برخی روایات ذکر شده است ندارد و بر اساس روایات، رشد شامل مسائل کیفری نیز می شود.

از این رو رشد یک مفهوم «عام» است و نه یک مفهوم «خاص»، تا فقط شامل امور مدنی شود؛ بلکه شامل امور کیفری نیز می شود. بدین معنی که رشد در امور کیفری نیز شرط است که با کمال عقل معنای یکسانی دارد.

رشد در اصلاح فقهی و حقوقی به معنای عقل کامل و درک و عدم سفاهت است و به دارنده آن رشید می گویند که در مقابل سفیه است. به همین جهت رشید را بالغ

کامل می‌گویند. هر رشیدی عاقل است ولی هر عاقلی رشید نیست، مانند سفیه که عاقل محسوب می‌شود ولی رشید نیست. به همین دلیل، عنوان کمال عقل را برای رشید به کار برده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳، صفحه ۳۳۴). ایشان همچنین بیان کرده‌اند که رشید، کیفیت نفسانی است که دارنده آن می‌تواند نفع و ضرر (در رشد مدنی) یا حسن و قبح (در رشد جرایبی) را تشخیص دهد. چنین شخصی را رشید می‌گویند و فاقد این وصف اگر به حدّ جنون نرسیده و صغیر نباشد همواره سفیه خوانده می‌شود و صفت او را سفه می‌گویند.^۱

اما باید توجه داشت که عقل در مقابل جنون، غیر از عقل یا رشد در مقابل سفه است، چرا که سفه، نقصان عقل و نداشتن کمال عقل است ولی جنون، فقدان عقل می‌باشد. اغلب فقها و حقوقدانان بین رشد در امور مدنی و رشد در امور کیفری، تفاوت قائل شده و در امور مدنی رشد را شرط دانسته و در امور کیفری آن را شرط نمی‌دانند.

برخی اساتید حقوق بیان می‌کنند که ملاک رشد وسفه تشخیص نفع و ضرر مالی است نه حُسن و قبح غیر مالی در حالت کلی می‌توان گفت که رشد در اصطلاح کیفیت نفسانی است که دارنده آن می‌تواند نفع و ضرر (در رشد مدنی) و حسن و قبح (در رشد جزیایی) را تشخیص دهد. چنین کسی را رشید می‌گویند و فاقد این وصف اگر به جنون نرسد و صغیر هم نباشد سفیه خوانده می‌شود. (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۹، صفحه ۵)

در قرآن کریم، رشد غالباً در مقابل «غی» و به معنای خیر و صلاح و هدایت استعمال شده است. از آن جمله که در آیه ۵۱ سوره انبیا به معنای ادراک و به معنای حسن تصرف در اموال در آیه ۶ سوره نساء نیز استعمال شده است از مقایسه معانی که در

۱. در روایت صحیح حماد بن عیسی از امام صادق (ع) اینگونه بیان شده که ایشان در این روایت می‌فرماید: «هیچ حدی بردیوانه نیست تا اینکه آفاقه یابد و به کودک نیست تا اینکه درک کند و بر شخص خواب نیست تا اینکه بیدار شود.» در این روایت شرط قائل شدن مسئولیت کیفری برای طفل و به تبع آن اجرای حد، «حتی پدرک» بیان شده است. اگرچه گروهی از فقها مقصود از عبارت «حتی پدرک» را رسیدن کودک به حد رشد کیفری دانسته‌اند

قرآن کریم برای رشد آمده است می توان نتیجه گرفت که رشد به معنای هدایت و درک و تشخیص در امور مختلف مفهومی عرفی است و دارای حقیقتی واحد است که این درک و تشخیص و هدایت با توجه به مصادیق و موضوعات مختلف مالی و غیر مالی و از جمله امور کیفری متفاوت بوده و علاوه بر این تبیین می شود که رشد مفهوم عامی است که اختصاص به امور مالی نداشته و امور کیفری را هم در بر می گیرد.

امروزه حقوقدانان و صاحب نظران کیفری، مساله شرط بودن رشد در مسئولیت کیفری را مطرح و تبیین کرده اند در این صورت به مفهوم رشد در امور کیفری باید پرداخته شود، بدین معنی که رشد جزایی در مقابل سفه که در رشد مدنی است، نمی باشد، زیرا رشد جزایی عبارت است از آن که عقل به مرتبه ای از کمال برسد که بتواند مسئولیت کیفری را تشخیص بدهد، اما اگر کسی عاقل باشد، ولی نتوانسته باشد به مسئولیت کیفری خود در مقابل عملی که انجام می دهد، آگاهی داشته باشد، رشد جزایی ندارد. دلیل بر این مطلب این است که شخصی که نمی تواند تشخیص دهد عمل وی جرم است، با دیوانه که او نیز نمی تواند تشخیص دهد عمل وی جرم است، تفاوتی ندارد و اگر بنا باشد چنین شخصی را که قدرت تشخیص ندارد، بتوانیم مجازات نماییم، لازم است که شخص دیوانه را نیز بتوانیم مجازات نماییم، زیرا ملاک در مجازات، تشخیص مجرم است.

اما مساله مهمی که در عبارت بالا بدان اشاره نشد این است که معمولاً از چه سنی کودک و نوجوان می تواند مسئولیت کیفری و عواقب اعمال خود را تشخیص دهد. به نظر می رسد انسان در سنین پائین تر حتی قبل از بلوغ، می تواند زشتی و نادرست بودن عمل را تشخیص دهد، چه این که یکی از حقوقدانان در بیان رشد کیفری به این نکته توجه کرده و بیان میکند میزان رشد کیفری، تشخیص بدی و خوبی کارهاست. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳، صفحه ۳۳۴)

همچنین در مورد رشد مدنی که میزان آن شناخت نفع و ضرر است. سن در

معیار جزایی، کمتر است از معیار مدنی، در نتیجه به نظر می رسد مساله تشخیص خوبی و بدی، به تنهایی کافی نباشد، بلکه باید فرد به میزانی از درک و شعور برسد که فهم قبح عمل را تشخیص دهد و هم آثار و نتایج زیانبار عمل خود را پیش بینی نماید و در نتیجه، تشخیص حداقلی خوبی و بدی عمل، به تنهایی کافی نیست. کودکان تا حدی درک می کنند ولی برای پذیرش مسئولیت کیفری، این میزان کافی نیست.

همانطور که ذکر شد، رشد به معنای درک و توانایی فکری و عقل است و رشد کیفری نیز مصداقی از این درک و عقل است، مطابق نظر فقها و حقوقدانان، ملاک تشخیص رشد کیفری با رشد مدنی فرق می کند، چون ملاک رشد در امور مدنی تشخیص نفع و ضرر است ولی در امور کیفری حسن وقبح و خوبی و بدی است. در این رابطه یکی از اساتید حقوق بیان می نماید که رشد کیفری حالت نفسانی است که دارنده آن توانایی تشخیص خوبی از بدی و حسن و قبح را دارد (همان منبع، ۱۳۸۳، صفحه ۳۳۵). این که رشد کیفری به معنای صرف تشخیص خوب از بد و حسن و قبح باشد قابل مناقشه است که در بحث جایگاه رشد در تحقق مسئولیت کیفری به آن پرداخته می شود ولی در اینجا لازم است بیان گردد که رشد کیفری به معنای عقل و درک و تمیز است ولی این معنا نباید موجب این تصور شود که مراد از عقلی که در موارد مربوط به حدود و قصاص به کار برده شده است و از عقل به عنوان یک از شرایط ثبوت حد و قصاص اسم برده شده، همین ادراک و تمیز است، بلکه مراد عقل و در این موارد با فعالیت و روند طبیعی قوای ادراک و عدم ابتلا به جنون است و منظور از رشد جزایی درک تمیز و بوده است که شرایط مسئولیت کیفری است. به نظرمی رسد که رشد کیفری عبارت باشد از آن که عقل، به مرتبه ای از کمال برسد که بتواند مسئولیت کیفری را تشخیص دهد اما اگر کسی عاقل باشد ولی نتوانسته باشد به مسئولیت کیفری خود در مقابل عملی که انجام می دهد آگاهی داشته باشد، رشد کیفری ندارد.

اهلیت تحمل کیفر با مفهوم انتزاعی مسئولیت، امری است که شدت و ضعف

برمی دارد و دارای مراتب است. اما این درجه بندی و شدت و ضعف تنها به وضعیت شخص متهم و اوصاف موثر در اهلیت جزایی او برمی گردد و از آنجا که عناصر اهلیت (اداراک و آزادی اراده) اوصافی هستند که نقص و کمال می پذیرد، پس به تبع آن، اهلیت یا مسئولیت هم از درجات و مراتب برخوردار می شود (میر سعیدی، ۱۳۸۶، صفحه ۲۹).

این جنبه از رشد کیفی قابل توجه است که رشد کیفی، به خصیصه تکامل پذیری عقل نظر داشته باشد و در واقع، تکامل قدرت درک و تمیز در امور جزایی را باید به معنای رشد کیفی دانست. برخی بر این نظرند که رشد، به خصیصه تکامل پذیری عقل مربوط می شود این واژه در حقوق جزا به مقطعی از فرایند تکامل جسمی و عقلی انسان اطلاق می شود که از آن مقطع به بعد، تشخیص در برابر جرایم ارتكابی دارای مسئولیت جزایی و برخوردار از اهلیت جزایی می گردد. از تعاریفی که برای رشد کیفی گفته شد نکته مهمی قابل برداشت است و آن توجه به این تعاریف و تکامل تدریجی قوای عقل انسان است. این حقوقدانان معتقدند که چون سرعت رشد و قوای جسمی و عقلی در افراد مختلف یکسان نیست قانونگذار برای اجرای یکسان و هماهنگ مقررات جزایی ناگزیر به استفاده از ملاکی است که از یک سو سهل الوصول و برای همگان قابل فهم بوده و از سوی دیگر، بیشترین مطابقت را با درجه لازم از رشد ادراکی و جسمی داشته باشد. این ملاک و عامل، چیزی جز سن نیست، به این جهت نظام های مختلف سن خاصی را به عنوان سن رشد یا سن قانونی یا سن کبریش بینی کرده اند.

۲- دیدگاههای قضایی

همانطور که اشاره گردید از ظاهر و منطوق ماده ۹۱ این طور برمی آید که مقررات این ماده در مورد افراد بالغ کمتر از هجده سال قابل اعمال می باشد و رویه قضایی غالب نیز معتقد است که دایره شمول آن، منحصرأ افراد بالغ کمتر از هجده سال را در بر گرفته و تسری آن به افراد غیر مشمول، قابلیت اعمال را ندارد. لیکن در برخی احکام قضایی

اعتقاد بر این است که شرایط مندرج در این ماده منحصر به افراد بالغ کمتر از هجده سال نبوده و با استفاده از این حکم می توان آن را به کلیه افراد تسری داد و با عدم احراز رشد عقلی یا عدم درک ماهیت جرم و حرمت آن سایر افراد را نیز از مجازات قصاص معاف دانست.

با توجه به ممنوعیت تفسیر موسع در قوانین جزایی و حاکمیت اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی، چنین برداشت و استنباطی از مقررات ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی که شامل کلیه افراد گردد مطابق موازین قانونی به نظر نمی رسد و در مورد افراد بزرگسال دارای شبهه در رشد و کمال عقل می بایست به قوانین مرتبط در مورد این افراد از جمله ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی که مقرر می دارد: «ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر، روانگردان و مانند آنها، موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتکب به کلی مسلوب الاختیار بوده است که در این صورت، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می شود.» و ماده ۳۰۸ قانون مجازات اسلامی که مقرر می دارد: «اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیله مقام قضایی، در بالغ یا عاقل بودن مرتکب، هنگام ارتکاب جنایت، تردید وجود داشته باشد و ولی دم یا مجنی علیه ادعاء کند که جنایت عمدی در حال بلوغ وی یا افاقه او از جنون سابق اش انجام گرفته است لکن مرتکب خلاف آن را ادعاء کند، ولی دم یا مجنی علیه باید برای ادعاء خود بیینه اقامه کند در صورت عدم اقامه بیینه، قصاص منتفی است. اگر حالت سابق در زمان جنایت، افاقه مرتکب بوده است، مرتکب باید جنون خود در حال ارتکاب جرم را اثبات کند تا قصاص ساقط شود. در غیر این صورت با سوگند ولی دم یا مجنی علیه یا ولی او قصاص ثابت می شود.» و سایر مواد قانون مجازات اسلامی حسب مورد استناد نمود.

در ادامه به تجزیه و تحلیل این دو دیدگاه در رابطه با برداشت از حکم ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی از حیث مشمول افراد در برگیرنده آن می پردازیم.

همچنین شعب دیوان عالی کشور در اظهار نظر پیرامون این احکام صادره به نوعی شمول حکم مقرر در ماده ۹۱ نسبت به نوجوانان بالغ زیر هجده سال را در دادنامه های مورد اشاره پذیرفته و مورد ابرام قرار داده است.^۱

۱. در دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۲۳۳۲۰۳۳۲-۹۷۰۹۹۷۰۲۳۳۲/۰۹/۰۷ صادره از شعبه پنجم

محکوم گردیده است.

۲. در دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۲۲۵۵۰۰۰۵۳۸ مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۸ شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران (ویژه جرایم اطفال و نوجوانان) که پس از نقض دادنامه شعبه پنجم از سوی شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور پیرونده به آن شعبه ارجاع شده است آمده: «در خصوص اتهام آقای (الف) متولد ۱۳۲۹/۱۰/۲۴ اهل تهران، دایر بر مباشرت در قتل عمدی مرحوم (ب) به شرح محتویات پرونده، با عنایت به شکایت اولیای دم مقتول؛ آنچه مسلم است متهم در طول تحقیقات مقدماتی و جلسه دادرسی اقرار دارد و اقرار نامبرده با اوضاع و احوال قضیه مطابقت دارد که متهم در حین ارتکاب جنایت چاقو داشته است و یک ضربه به مقتول زده است ولی با توجه به اینکه متهم متولد ۱۳۷۹ می باشد با تطبیق تاریخ تولد متهم با تاریخ وقوع جنایت احراز می گردد که متهم در زمان ارتکاب جنایت ۱۶ ساله بوده، لذا به عقیده دادگاه و دلالت محتویات پرونده و مستنبط از متون قانونی امر مسجل و محرز می باشد که متهم در زمان ارتکاب جرم از کمال عقل و رشد برخوردار نبوده و حرمت عمل ارتكابی را نمی دانسته با استدلال هایی که به تفصیل در دادنامه به آن اشاره گردیده، متهم موصوف را از حیث مباشرت در قتل عمدی مرحوم (ب)، به پنج سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت تهران با احتساب و کسر ایام بازداشت قبلی و پرداخت یک دیه کامل مرد مسلمان ظرف مهلت یک سال از تاریخ جنایت در حق اولیای دم محکوم نموده است.

۱. دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۸۷۰۰۰۵۳۸ مورخ ۹۷/۱۱/۲۷ شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور در نقض دادنامه شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران با این استدلال که: «با توجه به شغل متهم و نحوه حمل و مخفی کردن سلاح و نوع چاقوی به کار گرفته شده توسط وی و انتخاب محل اصابت چاقو استدلال دادگاه محترم صادرکننده رای دایر بر اینکه: «با توجه به نظریات پزشکی قانونی و تحقیقات انجام شده از متهم در جلسات رسیدگی نامبرده در زمان ارتکاب قتل، دارای رشد و کمال عقلی نبوده و ماهیت جرم انجام شده و حرمت آن را درک نمی کرده است» مخدوش و غیر قابل ابرام است. بنابراین مراتب فرجام خواهی آقای وکیل اولیای دم از دادنامه شماره ۹۷۰۰۳۳۲-۹۷۰۰۹۷/۰۹/۰۷ صادره از شعبه پنج دادگاه کیفری یک تهران موجه تشخیص و ضمن نقض دادنامه فرجام خواسته، رسیدگی مجدد به دادگاه همعرض صادرکننده رای منقوض ارجاع می گردد.

۱. دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۸۷۰۰۰۵۳۸ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۴ شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور در ابرام دادنامه شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران با این استدلال که: «فرجام خواهی وکیل اولیای دم مرحوم (ب) از دادنامه شماره ۹۹۰۰۵۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۸ صادره از شعبه هفتم دادگاه کیفری یک تهران با توجه به مجموع اوراق و محتویات پرونده و نظریات کمیسیون های پزشکی قانونی و وجود شبهه دار و مبانی استدلالی و مواد استنادی دادنامه فرجام خواسته و سوابق رسیدگی در این شعبه و بررسی لایحه فرجام خواهی وکیل یاد شده نتیجتاً غیر مدلل و غیر موجه تشخیص و مردود اعلام و دادنامه فرجام خواسته ابرام می گردد.

دادگاه کیفری یک استان تهران (ویژه جرایم اطفال و نوجوانان) آمده است: متهم (الف) متولد ۱۳۷۹/۱۰/۲۴ که در زمان وقوع جنایت حدود ۱۶ ساله بوده و دارای رشد و کمال نبوده و ماهیت جرم انجام شده و ماهیت جرم انجام شده و حرمت آن را درک نمی کرده ، به پرداخت یک فقره دیه کامل مرد مسلمان در حق اولیای دم و تحمل پنج سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم گردیده است.

در دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۲۲۵۵۰۰۰۵۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۸ شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران (ویژه جرایم اطفال و نوجوانان) که پس از نقض دادنامه شعبه پنجم از سوی شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور پرونده به آن شعبه ارجاع شده است آمده: « درخصوص اتهام آقای (الف) متولد ۱۳۷۹/۱۰/۲۴ اهل تهران، دایر بر مباشرت در قتل عمدی مرحوم (ب) به شرح محتویات پرونده ، با عنایت به شکایت اولیای دم مقتول؛ آنچه مسلم است متهم در طول تحقیقات مقدماتی و جلسه دادرسی اقرار دارد و اقرار نامبرده با اوضاع و احوال قضیه مطابقت دارد که متهم در حین ارتکاب جنایت چاقو داشته است و یک ضربه به مقتول زده است ولی با توجه به اینکه متهم متولد ۱۳۷۹ می باشد با تطبیق تاریخ تولد متهم با تاریخ وقوع جنایت احراز می گردد که متهم در زمان ارتکاب جنایت ۱۶ ساله بوده، لذا به عقیده دادگاه و دلالت محتویات پرونده و مستنبط از متون قانونی امر مسجل و محرز می باشد که متهم در زمان ارتکاب جرم از کمال عقل و رشد برخوردار نبوده و حرمت عمل ارتكابی را نمی دانسته با استدلال هایی که به تفصیل در دادنامه به آن اشاره گردیده، متهم موصوف را از حیث مباشرت در قتل عمدی مرحوم (ب)، به پنج سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت تهران با احتساب و کسر ایام بازداشت قبلی و پرداخت یک دیه کامل مرد مسلمان ظرف مهلت یک سال از تاریخ جنایت در حق اولیای دم محکوم نموده است.

آنچه از مجموع نظرات و دیدگاههای اکثریت قضات دادگاههای ذیصلاح رسیدگی کننده به جرایم اطفال و نوجوانان مشمول ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

در شعب بدوی و دیوان عالی کشور به دست می آید حکایت از این دارد که مفاد ماده ۹۱ قانون مرقوم نسبت به افراد بالغ کمتر از هجده سال مصداق دارد که در مقام تبیین حالت و صفتی است که اگر در حین ارتکاب جرم دارای آن صفت بوده و در جریان رسیدگی احراز شده باشد، به مجازات پیش بینی شده در مورد اطفال و نوجوانان محکوم می گردند که با توجه به موضوعیت درک و فهم ماهیت جرم و حرمت آن و تحقق چنین حالت و صفتی در حین ارتکاب جرم لحاظ می شود و به این جهت مفاد ماده مذکور شامل افرادی می گردد که پس از تصویب قانون جدید مرتکب جرایم مستوجب حکم قصاص شده باشند.

هرچند مطابق رای وحدت رویه شماره ۷۳۷ مورخ ۱۳۹۳/۰۹/۱۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور به نظر می رسد محکومان به قصاص نفس که سن آنها در زمان ارتکاب جرم کمتر از هجده سال تمام بوده و آرای قطعی محکومیت آنان قبل از لازم الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ صادر شده، چنانچه مشمول شرایط مقرر در ماده ۹۱ این قانون باشند به لحاظ اینکه تبدیل و تغییر مجازات به ترتیب مذکور مالا تخفیف مجازات و تعیین کیفر مساعد تر به شمار می آید می توانند درخواست اعاده دادرسی نمایند؛ لیکن در آراء صادره از سوی شعب دیوان عالی کشور در موارد متعدد، اعمال این ماده را نسبت به افرادی که قبل از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مرتکب بزه قتل عمد گردیده و زیر هجده سال بوده اند با این استدلال که این ماده نسبت به افرادی که در زمان حاکمیت قانون قبلی مرتکب قتل عمد گردیده و به استناد آن محکوم شده اند از دو جهت قابل اعمال ندانسته است:

اولاً: از حیث عدم امکان تشخیص چنین حالتی (عدم درک ماهیت جرم و حرمت آن) در زمان ارتکاب جرم به لحاظ گذشت چندین سال از تاریخ وقوع آن.

ثانیاً: از حیث اینکه قانون جدید فقط در مورد مجازات های بازدارنده عطف به

ماسبق می شود ولی در خصوص حدود و قصاص عطف به ماسبق نمی شود.

بنابراین وقتی رویه قضایی اعمال مقررات ماده ۹۱ را شامل افرادی که در زمان

ارتکاب جرم قبل از تصویب قانون مورد اشاره دارای سن کمتر از هجده سال بوده اند، با استدلال فوق نپذیرفته است به طریق اولی امکان استناد به مقررات آن را نسبت به افراد بالای هجده سال و بزرگسال نمی پذیرد که این نظر صحیح و با موازین قانونی سازگار تر می باشد.

آنچه از مجموع نظرات و دیدگاههای اکثریت قضات دادگاههای ذیصلاح رسیدگی کننده به جرایم اطفال و نوجوانان مشمول ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی در شعب بدوی و دیوان عالی کشور به دست می آید حکایت از این دارد که مفاد ماده ۹۱ قانون مرقوم نسبت به افراد بالغ کمتر از هجده سال مصداق دارد که در مقام تبیین حالت و صفتی است که اگر در حین ارتکاب جرم دارای آن صفت بوده و در جریان رسیدگی احراز شده باشد، به مجازات پیش بینی شده در مورد اطفال و نوجوانان محکوم می گردند که با توجه به موضوعیت درک و فهم ماهیت جرم و حرمت آن و تحقق چنین حالت وصفی در حین ارتکاب جرم لحاظ می شود و به این جهت مفاد ماده مذکور شامل افرادی می گردد که پس از تصویب قانون جدید مرتکب جرایم مستوجب حکم قصاص شده باشند. لازم به ذکر است شعب دیوان عالی کشور در موارد متعدد حتی اعمال این ماده را نسبت به افرادی که قبل از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۹۱ آن مرتکب بزه قتل عمد گردیده و زیر هجده سال بوده اند با این استدلال که این ماده نسبت به افرادی که در زمان حاکمیت قانون قبلی مرتکب قتل عمد گردیده و به استناد آن محکوم شده اند از دو جهت قابلیت اعمال ندارد:

اولاً: از حیث عدم امکان تشخیص چنین حالتی (عدم درک ماهیت جرم و حرمت آن) در زمان ارتکاب جرم به لحاظ گذشت چندین سال از تاریخ وقوع آن.
ثانیاً: از حیث اینکه قانون جدید فقط در مورد مجازات های بازدارنده عطف به ماسبق می شود ولی در خصوص حدود و قصاص عطف به ماسبق نمی شود.
بنابراین وقتی رویه قضایی اعمال مقررات ماده ۹۱ را شامل افرادی که در زمان

ارتکاب جرم قبل از تصویب قانون مورد اشاره دارای سن کمتر از هجده سال بوده اند، با استدلال فوق نپذیرفته است به طریق اولی امکان استناد به مقررات آن را نسبت به افراد بالای هجده سال و بزرگسال نمی پذیرد که این نظر صحیح و با موازین قانونی سازگار تر می باشد.

۲-۲- تفسیر قضایی وسیع از حکم ماده ۹۱

در مقابل در برخی از احکام دادگاهها مشاهده می گردد که به طور خاص نظر به امکان تسری مقررات ماده مذکور به افراد بزرگسال وجود داشت+ و در واقع امکان تحقق این امر فراهم است که این افراد به دلایل مختلف و از جمله ضعف قوای عقلی، حرمت عمل ارتكابی را درک نکرده و دارای کمال عقل نبوده و مرتکب جنایت گردیده و با استناد به ماده ۹۱ بتوان آنها را از مجازات قصاص معاف و مشمول سایر مجازاتهای تعزیری دانست^۱.

هر چند نظر برخی از اساتید حقوق مبنی بر اینکه اعمال مفهوم مخالف ماده ۹۱ (قصاص افراد بالغ کمتر از هجده سال) مشروط بر اینکه در رشد و کمال عقل آنان شبیه ای وجود نداشته باشد، مقید به رعایت تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی خواهد بود که بیان می دارد: « هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرایم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و (ث) محکوم می شود و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می گردد.» (آقایی نیا، حسین، ۱۳۹۲، صفحه ۱۷۳ و ۱۷۴) خروج موضوعی از بحث مقاله حاضر داشته و ارتباطی به افراد غیر مشمول موضوع ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی که افراد بزرگسال می باشد ندارد.

اصولاً تفاوت افراد بزرگسال و کمتر از هجده سال در این مساله عبارت است از اینکه در افراد زیر هجده سال می بایست کمال عقل احراز شده و اصل بر عدم احراز

است؛ لیکن در افراد بزرگسال اصل بر احراز این مساله است و عدم کمال عقل باید اثبات شود یعنی در مورد اول بار اثبات دعوی بر عهده شاکی یا دادستان است که اثبات کند نوجوان به کمال عقل رسیده اما در مورد دوم این امر اثبات شده است و بر عهده متهم است که اثبات کند به کمال عقل نرسیده است.

هرچند این نظر و تعمیم حکم مقرر در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به افراد بالای هجده سال در اقلیت می باشد و نمی توان به آن عنوان رویه قضایی دیگری در استنباط از این ماده قانونی داد زیرا به طور محدود مورد استناد برخی از قضات قرار گرفته است، به جهت اینکه از سوی مراجع عالی قضایی و دیوان عالی کشور نظیر دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۰۶۴۰۰۴۶۱ مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۲۳ شعبه چهارم دیوان عالی کشور که در تائید و ابرام دادنامه شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران در تعمیم حکم ماده ۹۱ به افراد بالای هجده سال صادر گردیده که مورد اشاره قرار گرفت، قابل نقد و بررسی به نظر می رسد. این دیدگاه به جهت اینکه در مخالفت با اصل تفسیر مضیق قوانین جرایمی است قابل اتکاء نمی باشد.^۱

۱. در دادنامه شماره ۱۹۴۰۰۲۲۵۱۰۰۹۶۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۱۵ شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران آمده است: « هرچند ظاهر عبارات ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی بیانگر این امر می باشد که دایره شمول این مقرر قانونی، صرفاً افراد بالغ کمتر از هجده سال را دربر می گیرد و بعبارتی شرط اولیه انطباق وضعیت مرتکب با مقررات این ماده آن است که متهم بالغ کمتر از هجده سال باشد و در نتیجه افراد بالای هجده سال از دایره شمول این ماده خارج هستند و لکن به عقیده این محکمه چنین برداشتی با ملاحظه سایر مقررات شرعی و قانونی صحیح نیست چرا که: الف) تعیین کف یاسقف حدی از سن برای بلوغ و رشد صرفاً یک اماره است و اثبات خلاف آن ممکن و جایز است کما اینکه فقهاء عظام هرچند در مکلف دانستن افراد، حدی از سن (۹ و ۱۵ سال) را به نحو اکثریت اعلام نموده اند، و لکن اضافه و تصریح نموده اند که چنانچه علائم و آثار دیگری در فرد ظاهر و حاکم گردد می تواند دلیل بلوغ حتی قبل یا بعد از اماره مذکور یا عدم آن باشد.

ب) : ضمن اینکه قانون گذار در مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی با تعیین سن بلوغ، مسئولیت کیفری را صرفاً متوجه افراد بالغ نموده است ولیکن در مقررات دیگری نظیر ماده ۹۱ و ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی در باب حدود قصاص، علم و آگاهی مرتکب بالغ به حرمت شرعی رفتار ارتكابی را شرط اعمال مجازات حد یا قصاص دانسته است و یکی از شرایط حصول علم به حرمت شرعی رفتار ارتكابی، برخورداری فرد از کمال عقل و رشد می باشد که متهم حاضر از چنین خصیصه ای بی بهره است. بعبارت دیگر از نظر این دادگاه قابل تصور و تحقق است که شخصی بیش از هجده سال سن داشته باشد، و لکن بدلیل ضعف قوای عقلی، از حرمت عمل ارتكابی، بی اطلاع باشد، در نتیجه داخل نمودن چنین

درخصوص تبیین دیدگاه فوق همانطور که اشاره شد هرچند تعداد محدودی از قضات و دادگاهها با تفسیر موسع از ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی صرف نظر از سن مرتکب در صورت وجود شرایط مقرر در این ماده که عبارت است از علم و آگاهی مرتکب به حرمت شرعی رفتار ارتكابی و برخورداری از رشد و کمال عقل، عقیده بر این دارند که امکان تعیین مجازات و سقوط آن در جرایم حدی یا قصاص وجود دارد که به جهت محدود بودن احکام صادره در این رابطه نمی توان آن را به عنوان یک رویه قضایی محسوب نمود، لکن به هر حال تفسیری موسع و هرچند محدود از این حکم قانونی که درخصوص افراد خاصی (نوجوانان بالغ زیر هجده سال) وضع گردیده است با اصول حقوقی سازگار نبوده و قابل نقد و بررسی می باشد. مطابق نظر این قضات و از نگاه فقهی با اشاره به سن رشد و بلوغ از نظر شرعی که اکثر فقها آن را در دختران نه سال تمام قمری و در پسران پانزده سال تمام قمری اعلام نموده اند و آن را اماره ای برای رشد و بلوغ مشخص کرده که اثبات خلاف آن ممکن و جایز می تواند باشد و چنانچه آن طوری که فقها معتقد اند چنانچه علائم و آثار دیگری در فرد ظاهر و بروز نماید می تواند دلیل بلوغ حتی قبل یا بعد از اماره مذکور یا عدم آن باشد. موضوع بررسی رشد و کمال عقل اختصاص به طفل یا نوجوان بالغ زیر هجده سال ندارد و ممکن است فردی کبیر به دلیل ضعف قوای عقلی اساساً دارای رشد و کمال عقل نبوده و بر این اساس از حرمت عمل ارتكابی بی اطلاع باشد بنابراین داخل نمودن این فرد نیز در محدوده ماده ۹۱ بلا اشکال می باشد. در پاسخ به این نظر می توان بیان کرد، قانونگذار برای افراد بزرگسال مشمول شرایط مقرر در ماده ۹۱ (عدم بلوغ یا عدم رشد و کمال عقل) در سایر مواد قانون مجازات اسلامی نظیر ماده ۳۰۸ قانون مر قوم شرایط لازم را پیش بینی کرده است

شخصی در دایره مشمول مقررات ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی خالی از اشکال و چه بسا با لحاظ رعایت قاعده درأ، امری لازم و ضروری است.»
لذا متهم را به پرداخت دیه و حبس محکوم نموده است.

و ضرورتی ندارد قضات موضوع را با استدلال های متعدد خلط مبحث نموده و به جای استفاده از مواد مرتبط با هرگروه سنی که به طور دقیق و با هدف خاص در متون قانونی پیش بینی گردیده است، از مواد قانونی غیر مرتبط استفاده کرده و در صدد تحلیل و اثبات علت استفاده از این مواد جایگزین باشند.

نتیجه گیری

همانطور که ملاحظه شد، موضوع رشد و کمال عقل در نوجوانان بالغ زیر هجده سال و عدم درک ماهیت جرم یا حرمت عمل ارتكابی از سوی آنها در جرایم مستوجب حد و قصاص که در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به عنوان یک نوآوری و تلاش در جهت همسو نمودن قوانین داخلی با مقررات بین المللی و کنوانسیون حقوق کودک به تصویب رسیده است، به جهت اینکه معیار مشخص و قابل اعتمادی برای تعیین سن رشد وجود ندارد و در عمل نیز تصمیمات متفاوتی از سوی کارشناسان پزشکی قانونی و روانشناسان و قضات دادگاهها به جهت گرایش های ذهنی متفاوت آنها در این رابطه اتخاذ می گردد از موضوعات چالش برانگیز در ارتكاب این جرایم از سوی نوجوانان است و همین امر باعث گردیده مشکلات و ابهامات زیادی در عمل به وجود آمده و موجب چالش های مختلف و اختلاف نظر های عمده ای گردیده است.

علاوه بر این از یک منظر با توجه به منطوق ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی که مقررات آن اختصاص به افراد بالغ زیر هجده سال دارد و رویه قضایی غالب نیز معتقد است که مفاد این ماده تنها نسبت به افراد مذکور قابل تسری است، برخی از قضات با تفسیر موسع از ماده ۹۱ قائل به شمول آن به افراد غیر مشمول هستند. به عقیده این دسته از قضات قابل تصور و تحقق است که شخصی بیش از هجده سال سن داشته باشد، لکن به دلیل ضعف قوای عقلی، از حرمت عمل ارتكابی بی اطلاع باشد و در نتیجه داخل نمودن چنین شخصی در دایره شمول ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی خالی از اشکال و چه بسا لازم و ضروری است که این نظر با توجه به اینکه درخصوص افراد بالای هجده سال قوانین مرتبط با شرایط مقرر در ماده ۹۱ که اختصاص به نوجوانان بالغ زیر هجده سال دارد و می توان به آن استناد نمود، خلاف موازین قانونی می باشد.

به نظر نگارنده نیز دیدگاه برخی از قضات نسبت به تفسیر موسع از حکم ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی که آن را ناظر به افراد غیر مشمول اعم از بالغ زیر هجده سال و

بزرگسال می دانند، بر خلاف اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی بوده و با هدف مقنن که آن را در فصل مربوط به مجازات ها و اقدامات تامینی و تربیتی اطفال و نوجوانان تدوین نموده و اختصاص به افراد بالغ زیر هجده سال دارد در تعارض بوده و نسبت به افرادی که در شمول آن قرار نمی گیرند نباید مورد استفاده قرار گیرد. وجه ممتاز این مقاله همین نکته است که باید از مواد قانونی در جایگاه خود به درستی استفاده نمود و نباید با برداشت ها و تحلیل های ضعیف جایگاه مواد قانونی را متزلزل نموده و از هر ماده قانونی بی ارتباط برای استنباط خود استفاده کرد.

منابع

- آقایی جنت مکان، حسین، *حقوق کیفری عمومی (کیفرشناسی نو)*، جلد سوم، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲
- آقایی نیا، حسین، «*جرایم علیه اشخاص (جنایات)*»، نشر میزان، ۱۳۹۲
- آشوری، محمد، «*عدالت کیفری (مجموعه مقالات)*»، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶
- اسدی، لیلیاسادات، بررسی مفهوم «*کودک با رویکرد به حوزه کیفری*»، *فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، ۱۳۸۶
- اردبیلی، محمد علی، *حقوق جزای عمومی*، جلد نخست، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۰
- تاریخچه مسئولیت کیفری اطفال، *مجله مهر من*
- تدین، عباس، باقری نژاد، زینب، «*سن مسئولیت کیفری در کشور های اروپایی و ایران، مجله تعالی حقوق*»، ۸۶، شماره ۱۸
- حسینی آهق، مریم، مهر پور، حسین، «*رابطه بلوغ با مسئولیت کیفری*»، *پژوهش نامه فقه و حقوق اسلامی*، ۸۹ شماره ۶
- شیرخوانی، پیمان، *اعدام افراد زیر ۱۸ سال در قانون مجازات اسلامی*، ۱۳۷۹
- حیدری منش، سید نور الدین، نجاتی مقدم، سعید «*مسئولیت کیفری اطفال در نظام حقوقی ایران در دوره های قبل و پس از انقلاب*»، *اولین همایش ملی جهانی سازی حقوق کودکان و نوجوانان دیدگاه حقوقی و روان شناسی*، مشهد، ۱۳۹۷
- حیدری، مسعود، «*بررسی تطبیقی سن مسئولیت کیفری در فقه اسلامی*، اسناد بین المللی و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، *فصل نامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، سال سوم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۵، صفحه ۹۷

- صانعی، پرویز «**حقوق جزای عمومی**»، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۱
- صبوری پور، مهدی، علوی صدر، فاطمه، «**سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۹۲**»، **پژوهش نامه حقوق کیفری**، ۱۳۹۴
- فرهی، بابک، «**آئین دادرسی کیفری**»، چاپ اول، تهران، انتشارات طرح نوین، ۱۳۹۳
- فرزین راد، رویا، «**تبیین حقوقی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان و نگرشی بر کارکرد پلیس ایران**»، **فصلنامه دانش انتظامی**، ۱۳۸۶
- کنوانسیون حقوق کودک** مصوب ۱۹۸۹
- مهاجر پور، امیر محمد، دانش پرور، حمید رضا، «**گزیده پزشکی قانونی برای قضات**»، واحد آموزش و پژوهش پزشکی قانونی استان تهران، ۱۳۹۰
- موسوی فر، حسین، حامدی، عاطفه، «**نقش سن در تعیین مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان**»، ۱۳۹۷
- محقق هرچقان، علیرضا، «**سن مسئولیت کیفری از منظر جرم شناسی**»، **نشر دادگستری**، تابستان ۱۳۹۰
- محمدی، محمد رضا، «**جنبه های مهم شخصیت نوجوان**»، **معرفت**، شماره ۱۳۹۷، ۳۸
- میر سعیدی، سید منصور، «**مسئولیت کیفری**»، جلد اول، قلمرو و ارکان، نشر میزان، ۱۳۸۶
- مجموعه آرای قضایی دادگاههای کیفری یک استان تهران و شعب دیوان عالی کشور**
- نجفی توانا، علی، «**سن مسئولیت کیفری در اطفال در مقررات حقوق داخلی و بین المللی**»، **فصلنامه تربیت مدرس**، ۱۳۸۴
- نجفی توانا، علی «**سن مسئولیت کیفری در اطفال در مقررات حقوق داخلی و بین المللی**»، **فصلنامه مدرس علوم انسانی**، شماره ۸۴ محمدی، اصغر، «**بررسی**

تطبیقی بین المللی»، *فصلنامه د/درسی*، شماره ۵۹
نگهی، مرجان، «مقابله با هرزه نگاری کودکان، بررسی تطبیقی اسناد بین المللی
و قوانین کیفری ایران»، *پژوهشگاه حقوق کیفری*، سال سوم، شماره دوم، پائیز و
زمستان ۱۳۹۱، صفحات ۱۳۵-۱۵۹
هاشمی، نگین، توحیدی، محمد رضا، لطفی، مریم، «*مقاله رشد جزایی و
کمال عقل کودک در جرائم مستوجب قصاص در قانون مجازات اسلامی مصوب
۱۳۹۲*»، ۱۳۹۶.